

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۲ - ۷۹

تبیین قاعده اخلاقی ارزش ذاتی محیط زیست در مراعات اشخاص نسبت به ملی نمودن اراضی

سلیمان اکبری^۱میترا ضرابی^۲علیرضا حسنی^۳

چکیده

امروزه مبانی اخلاقی ارزش ذاتی محیط زیست محملی برای پدید آمدن حق بر محیط زیست به عنوان یکی از موضوعات مهم در نظام بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها است. مشکلاتی مانند گرمایش زمین و سوراخ شدن لایه اوزون بواسطه قطع جنگل‌ها و از بین رفتن گیاهان نادر، آلودگی‌های زیست‌محیطی، باران اسیدی و کاهش منابع آب، علاوه بر تخریب محیط زیست، زندگی انسان را نیز تهدید می‌کند. اگرچه جرایم زیست‌محیطی به عنوان جرایم بدون قربانی شناخته می‌شوند، اما به ندرت به صورت کامل مورد توجه قرار می‌گیرند. با این اوصاف در این تحقیق به ارتباط این موضوع با مالکیت افراد و ملی نمودن اراضی توجه می‌شود. مالکیت افراد نسبت به اموالشان در همه‌ی جوامع همواره مورد توجه بوده و هست. از گذشته تا حال کاملترین حق عینی در حقوق ما حق مالکیت می‌باشد و این حق همیشه قابل احترام و تکریم بوده و هیچ‌کس نمی‌تواند به حق مالکیت دیگری تجاوز کند؛ پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که در مواردی که دولت (اداره منابع طبیعی) در راستای اجرای قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۱ و قوانین بعدی، با بررسی سابقه و سنجش موقعیت یک محدوده مشخص از اراضی با معیارهای مشخص و از پیش تعیین شده، مبادرت به صدور برگه‌ی به نام «برگ تشخیص» انجام می‌گیرد و ادعای مالکیت نسبت به زمینی را دارد. آیا باز اثبات این ادعا بر دوش دولت (اداره منابع طبیعی) است یا بر دوش مالک شخصی ملک؟ در این زمینه نتایج تحقیق نشان دادند که مبنای اخلاقی درباره ارزش ذاتی محیط زیست در بحث اراضی ملی بر اساس ایجاد عدالت میان رابطه انسان و اراضی لحاظ شده و رویه مالکیت افراد در دو بحث تقصیر و قصور دولت و اشتباه مأمور مجری در تشخیص مستثنیات مهمترین عوامل در مراعات اشخاص نسبت به اراضی ملی هستند.

واژگان کلیدی

اخلاق زیست‌محیطی، اراضی ملی، مالکیت، مستثنیات، جرم‌شناسی سبز.

۱. گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Email: akbarisoleiman4@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: zarabi57@yahoo.com

۳. گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: a.hasani@damghaniau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۵

طرح مسأله

یکی از اصطلاحات حقوقی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در عرف حقوقی و قضایی رایج گردیده و مباحثی را برانگیخته است، اصطلاح اراضی ملی است. خاستگاه این اصطلاح را باید در آثار فقهی جستجو کرد. ارزش و جایگاه اراضی ملی در جامعه بشری امروز بر هیچ کس پوشیده نیست. بخش مهمی از ثروت ملی جامعه زیر عنوان اراضی ملی قرار می‌گیرند. همین امر کافی است تا نشان دهد چرا اراضی ملی در رشته‌های مختلف حقوق خصوصی (اموال و مالکیت) و حقوق عمومی (حقوق اساسی و حقوق مالی) بحث می‌شود بنابراین پس از تصویب ملی شدن جنگل‌های کشور در سال ۱۳۴۱، برنامه تفکیک اراضی ملی از مستثنیات با هدف ایجاد امنیت برای دیگر طرح‌ها و جلوگیری از تخریب، تجاوز و تصرفات غیرمجاز به عرصه‌های منابع طبیعی شروع گردید که شامل شناسایی، تثبیت و تملک عرصه و اعیانی جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور و تفکیک آنها از عرصه‌ها و خانه‌های روستایی و همچنین اراضی زراعی و باغ‌هایی است که تا تاریخ تصویب قانون ایجاد شده بودند و این امر موجب اختلافاتی در مالکیت اراضی گردید پیرامون حقوق اراضی ملی، در عین اهمیت، رویه قضایی منسجمی شکل نگرفته است. با تصویب قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی ۲۳/۰۴/۱۳۸۹ نیز ابهامی به سایر ابهامات افزوده شد؛ زیرا مسائل متعددی پیش روی دادگاه‌ها قرار گرفت و دولت نیز در امر دفاع سرگردان شد. بی‌شک یکی از مهمترین راهکارهای تعیین تکلیف اراضی اختلافی، بهره‌جستن از قوانین و مقررات می‌باشد تا از این طریق ضمن رعایت حقوق عمومی و تثبیت مالکیت دولت بر اراضی ملی، حقوق متصرف در این اراضی نیز مورد توجه قرار گیرد و هیچ‌گونه تضییع حقوق خصوصی از اشخاص ذیحق صورت نگیرد. در تعریف اراضی ملی میتوان بیان داشت که زمین‌هایی که هنوز هم بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی انسان‌ها، شکل طبیعی و ابتدایی خود را حفظ کرده‌اند، در زمره زمین‌های ملی به حساب می‌آیند. اما به محض این که روی زمینی فعالیت‌های کشاورزی و غیره صورت گرفته باشد، در اصطلاح به آن زمین زمین احیا شده می‌گویند. اراضی ملی که در بیرون از منطقه شهری واقع شده باشند، به اداره منابع طبیعی تعلق دارد و آن‌هایی که در فضای داخل شهری واقع شده‌اند وابسته به سازمان مسکن و شهرسازی می‌باشند.

مطابق قانون ملی شدن جنگل‌ها عرصه و اعیانی کلیه ۱۰ جنگل‌ها ۲۰ مراتع ۳۰ بیشه‌های طبیعی ۴۰ اراضی جنگلی در قانون احصاء گردیده. با توجه به اینکه این موارد در قانون شمارش گردیده و متعرض مالکیت اشخاص نمی‌باشند، در نتیجه ملی بودن اراضی خلاف اصل است و اصل نیاز به تصریح ندارد. با تصویب قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۱، عرصه و

اعیان کلیه جنگل ها و مراتع و بیشه های طبیعی در اراضی جنگلی جزو اموال عمومی محسوب شد، مالکیت خصوصی جنگلها و مراتع در اختیار دولت قرار گرفت و بنا به مقرر ماده ۳ قانون یاد شده به اشخاصی که سند مالکیت خصوصی به نام جنگل داشته یا از مراجع قضایی حکم قطعی دال بر مالکیت جنگل در حق آنها صادر شده و یا دارای حکم قطعی هیئت های رسیدگی املاک و اگذاری به نام جنگل بودند، وجوهی طبق قانون پرداخت می شد. قانونگذار بلافاصله در ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع، در جهت حفظ حقوق مالکیت خصوصی اشخاص، عرصه و محوطه تاسیسات و خانه های روستایی، زمین زراعی و باغات واقع در محدوده جنگل ها و مراتع که در تاریخ تصویب قانون ملی شدن احداث گردیده بودند و نیز مراتع غیر مشجری که در تاریخ تصویب این قانون یا بعدا به موجب اسناد مالکیت یا آراء قطعی محاکم یا هیئت رسیدگی به املاک و اگذاری در محدوده املاک مزروعی قرار گرفته یا بگیرد، به عنوان مستثنیات حکم قانونی برشمرده است.

سرمدی و همکاران، (۱۳۹۴)، طی پژوهشی با عنوان "مفهوم عدالت زیست محیطی و انعکاد آن در اسناد منطقه ای و بین المللی" چنین عنوان نمودند که: پیشرفت تمدن، به خصوص بود از انقلاب صنعتی موجب تخریب گسترده محیط زیست شده است. تلاش بشر برای محافظت از محیط زیست از اواخر قرن بیستم شدت یافت، اما اغلب این فعالیتها بر جلوگیری از تخریب محیط زیست تمرکز داشته است و بر آثار تخریب محیط زیست بر انسانها توجهی نکرده است. به طور کلی در حقوق بین الملل، سازوکاری برای جلوگیری یا جبران خسارت برای انسانهایی که قربانی تخریب محیط زیست می شوند، پیش بینی نشده است. مفهوم عدالت زیست محیطی از مقوله های جدید حقوق بین الملل است. رجال هل آباد (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان « بررسی تناقض و مغایرت در نظام بهره برداری از اراضی ملی و دولتی» بیان داشته که نحوه بهره برداری از منابع ملی که اراضی ملی و دولتی، جنگلها، سواحل، معادن و... همواره یکی از موضوعات اساسی برای توسعه پایدار کشور می باشد بطوریکه با بهره برداری صحیح از منابع طبیعی می توان ضمن حفظ محیط زیست گام به سوی پیشرفت و رونق اقتصادی برداشت لذا با توجه به حجم بالای قوانین و مقررات موجود در خصوص واگذاری و بهره برداری از اراضی و منابع طبیعی از یک طرف و فقدان منبع موثق از طرف دیگر در خصوص نحوه و چگونگی واگذاری و تخصیص اراضی و منابع طبیعی برای انجام طرح ها و پروژه های عمرانی اعم کشاورزی و غیر کشاورزی، مطالعه و بررسی نظام های بهره برداری از منظر حقوقی کمک شایانی به نظم و نسق دادن به این مهم می نماید. احمدزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان « دعاوی علیه سازمان منابع طبیعی نسبت به ملی نمودن اراضی» بیان داشته که قانون گذار از ابتدای ملی کردن جنگلها و مراتع، مراجع متفاوتی برای جلوگیری از تضييع حقوق اشخاص خصوصی و عمومی در این

اراضی پیش بینی نموده است تا کسانی که نسبت به برگ تشخیص صادر شده اعتراضی دارند به این نهادها مراجعه کرده و این نهادها نیز بدون ورود به بحث مالکیت و صرفاً از جنبه ملی یا مستثنی بودن پلاک به موضوع رسیدگی می‌کردند. قانون‌گذار در آخرین اراده خود در قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، اعتراض به برگ تشخیص را در صلاحیت شعبی از دادگاه‌های عمومی حقوقی به نام شعب ویژه منابع طبیعی قرار داده است و ابهامات و اختلافاتی را در این خصوص که آیا در این شعب، باید مالکیت معترض بررسی شود یا خیر؟ به وجود آورده است.

نوآوری این تحقیق در برابر پژوهش‌های انجام شده تأکید بر نگرش اخلاقی ارزش ذاتی محیط زیست در پدید آمدن تعارضاتی است که ضمن دعاوی اشخاص نسبت به اراضی ملی است. در این باره تأکید بر اموری نظیر جرم شناسی سبز یعنی گرمایش زمین و سوراخ شدن لایه اوزون بواسطه قطع جنگل‌ها و از بین رفتن گیاهان نادر، آلودگی‌های زیست محیطی، باران اسیدی و کاهش منابع آب است که علاوه بر تخریب محیط زیست، زندگی انسان را نیز تهدید می‌کند.

حفاظت از اراضی ملی

از سال ۱۳۴۱، قانون‌گذار به دلیل اعمال حاکمیتی، عرصه و اعیان تمام اراضی جنگلی و مراتع کشور را ملی اعلام نمود. لذا آن دسته از اراضی که به دلیل جنگل یا مرتع بودن، ملی تشخیص داده شدند را، اراضی ملی نامیده اند به عبارت دیگر اراضی ملی، عبارت از اراضی است که به دلیل پوشش جنگلی و مرتعی منطبق با شاخص‌ها و مقادیر رسمی، از شمول مالکیت خصوصی اشخاص خارج شده و تحت مالکیت عمومی در می‌آیند. بخش دوم: انواع اراضی ملی انواع اراضی مربوطه به شرح ذیل می‌باشد: اراضی دایر: اراضی دایر زمین‌هایی است که آن را احیا و آباد کرده‌اند و در حال حاضر دایر و مستمرا مورد بهره برداری است. که در این حوزه تعاریف ذیل نیز به چشم می‌خورد: زمینی که آباد است و به نحوی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. در کلام فقها زمین دایر به دو دسته تقسیم بندی شده است: ۱- محیاة بالاصل (آباد از اصل و ابتدا) مانند جنگل‌ها، بی‌شبه زارها، که بدون تلاش آدمی آباد شده است. ۲- محیاة بالعرض مانند زمین‌های زراعی و مرتعی که توسط انسان ایجاد شده است. (میرزایی، ۱۳۹۲: ۶۵) اراضی بایر: بر اساس ماده ۴ قانون زمین شهری اراضی بایر شهری زمین‌هایی است که سابقه عمران و احیا داشته و به تدریج به حالت موات برگشته اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد در واقع سابقه آبادانی و احیا را داشته است اما از آنجایی که کم‌کم به حال خود رها شده و اقدام دیگری روی آن صورت نگرفته به حالت موات برگشته و تفاوتی نمی‌نماید که صاحب

مشخصی داشته باشد یا نداشته باشد، ممکن است فردی سند مالکیت زمین را داشته باشد اما از نظر قانونگذار نظر به اینکه این زمین کم کم به حالت موات برگشته و لم یزرع می باشد آن را جزء اراضی بایر قلمداد کند. در باب تعریف اراضی بایر می توان به موارد ذیل اشاره نمود: در کتب فقهی در تقسیم اراضی صحبتی از اراضی بایر، اراضی که سابقه عمران داشته و سپس به حالت موات بازگشته، به میان نیامده است بلکه آن را تحت عناوینی همچون موات بالارض، موات عارضی یا موات بلاعرض مطرح نموده اند. در کتب فقهی موات بالعرض (بایر) چنین تعریف شده است «زمینی که قبایل احیا شده و اینک رها شده و مجددا موات گشته است.» (همان، ۶۱)

قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی (مصوب/۲۵/۶/۱۳۵۸) بند «د» ماده ۱ این قانون در تعریف اراضی بایر اشعار می دارد: زمین هایی است که سابقه احیاء دارد ولی به علت عدم اعراض و عدم بهره برداری برای مدت ۵ سال متوالی بدون عذر موجه متروک مانده یا بماند. (همان، ۶۳) برخی از نویسندگان این ماده را قابل ایراد و انتقاد دانسته اند و معتقدند «این تعریف درست نیست زیرا اولاً حتماً نباید دلیل عدم بهره برداری، اعراض باشد. اگر زمین در حال بهره برداری نبوده و درآیش نیز نباشد و به حالت موات برگردد، به شرط آنکه مسبوق به احیاء و عمران باشد، بایر تلقی گردد ثانیاً قید مهلت ۵ ساله مالک شرعی و قانونی قابل قبولی ندارد. (ثابتی، ۱۳۷۳: ۵۳) یکی دیگر از منابعی که تعریفی راجع به اراضی بایر ارائه داده است، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی در خصوص حل مشکل اراضی بایر (مصوب ۲۵/۵/۱۳۶۷) که اشعار می دارد: «اراضی بایر شامل اراضی ای است که بیش از ۵ سال بدون عذر موجه بلاکشت مانده یا بماند» اراضی آیش: زمین دایری است که به صورت متناوب طبق عرف محل برای دوره معینی بدون کشت بماند. اراضی موات: زمین هایی است که سابقه احیا و بهره برداری ندارد و به صورت طبیعی باقی مانده است اراضی موات اشارات ذیل نیز وجود دارد: ۱- آن زمینی است که سابقه مالکیت خصوصی و آبادانی آن مشخص نباشد و یا اینکه هم عدم سابقه برخوردار بودن ملک از مالک معین و هم عدم بهره برداری و آبادانی آن معلوم و شناخته شده باشد. مانند دشت های لم یزرع، صحراهای خشک. (اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۰۶) ۲- موات زمینی است که به واسطه معطل ماندن زمین از آن بهره برداری نمی شود. به وجهی که سود بردن در آن مشکل باشد، مگر به انجام عملیات، به گونه ای که در عرف مردم، آن زمین موات تلقی شود. (سبزواری، ۱۳۹۶: ۲۳۸) ۳- زمین موات، زمینی است که در هیچ زمان مالکی نداشته و در تعریف مالکانه کسی نبوده و ظاهر این است که زمین موات از مفاهیم عرفیه است وصف عرفی معتبر است.

اراضی دولتی: کلیه زمین هایی است که به نام دولت دارای سند بوده یا در جریان ثبت به نام دولت است و همچنین کلیه اراضی ملی شده و مواتی که طبق قوانین مصوب و آرا

کمیسیون‌های مربوطه متعلق به وزارت مسکن و شهرسازی است اعم از این که به نام دولت ثبت شده یا نشده باشد. در جای دیگر در تعریف اراضی دولتی آمده است: هر نوع مال منقول و غیر منقولی که در تصرف مالکانه دولت باشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۹۷)

اراضی منابع طبیعی: اراضی تحت پوشش جنگل‌های طبیعی و دستکاشت و مراتع و بیشه‌های طبیعی، نهالستان‌های دولتی و زمین‌هایی که به نحوی از انحاء در رژیم سابق ملی اعلام شده است به عبارت دیگر: ۱- هر آنچه که در طبیعت و کره خاکی به طور طبیعی به وجود آمده و دست بشر در پیدایش و خلقت آن دخیل نیست و به وسیله آفریدگار در طبیعت استقرار یافته است منابع طبیعی گویند. (عباسی، ۱۳۹۲: ۶۶) اراضی مرتعی: زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که در فصل چرای دارای پوششی از نباتات علوفه ای خودرو بوده و با توجه به سابقه چرای مرتع شناخته شود، اراضی که آیش زراعتند ولو آن که دارای پوشش نباتات علوفه ای خودرو باشند مشمول تعریف مرتع نیستند ۱- مرتع زمینی است اعم از کوه، تپه، دامنه و سطح هموار که در فصل رویش، دارای پوششی از گیاهان علوفه ای خودرو و طبیعی بوده که در فصل چرای دام قرار می‌گیرد. بند «و» ماده یک قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۵/ ۶/ ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ۲- مرتع یا بیشه طبیعی عبارت از جنگل یا مرتع یا بیشه ای است که به وسیله اشخاص ایجاد نشده باشد. (حجتی، ۱۳۹۲: ۴۸) زمین‌های دایر انواع گوناگون دارد: دایر معمولی: مثل همه زمین‌های مسکونی. دایر مسکونی: زمینی که قبلاً بنا داشته ولی به مرور زمان تخریب شده و هم‌اکنون نیز اثری به جا نمانده باشد که مبنای تشخیص آن عکس‌های هوایی سال ۳۷ و ۴۸ و ۵۷ می‌باشد. دایر مشجر: برای زمین‌های دایر مشجر جهت احداث بنا، رای ماده ۷ (تشخیص باغات) مربوط به سازمان فضای سبز شهرداری تهران نیاز است که تأیید کند، قابل ساخت است. دایر تأسیساتی: زمین‌هایی که قبلاً ساختمان حمام، چاه‌هایی با موتور پمپ و غیره داشته، دایر شناخته می‌شود و قابل ساخت و ساز (مسکونی) است.

دایر مزروعی: برای احداث بنا یا اخذ جواز باید رای ماده ۱۴ مربوط به وزارت کشاورزی (منابع طبیعی) گرفته شود. برای تمامی زمین‌های بالای ۲۰۰۰ متر رای کمیسیون ماده ۵ (مربوط به تعیین کاربری زمین که مربوط و مستقر در شورای عالی شهرسازی و معماری شهرداری است) ضروری است. دایر شهری (مسکونی): ملکی که قبلاً مستحده ای داشته باشد ولی به مرور زمان تخریب شده باشد و فعلاً به صورت بایر در آمده باشد. چنانچه ملکی در نقشه طرح تفصیلی شهرداری منطقه، کاربری آن قبلاً توسط کمیسیون ماده ۵ به عنوان مثال کاربری مسکونی تعیین شده باشد نیاز مجدد به تعیین کاربری ندارد. ملک‌هایی که توسط کمیسیون ماده ۵ با کاربری‌های غیرمسکونی تعیین شده باشد، قابل ساخت و ساز و معامله

نیست مگر برای همان مواردی که تعیین شده است. مثلاً: زمین هایی با طرح آموزشی، فقط قابل ساخت مدارس غیر انتفاعی، دانشگاه و آموزشگاه است، مگر این که به موجب قانون به سازمان مربوطه منصرف از اجرای طرح شود و ملک بیشتر توسط دادگاه به مالک اعاده شود و تغییر کاربری یابد. مستثنیات مستثنیات به معنای اعم به هر زمینی گفته میشود که خارج از شمول تملکات دولتی باشد به طوری که خانه های روستایی و همچنین زمین های زراعی و باغات محصوره واقع به موجب قانون ملی شدن جنگلها و مراتع مصوبه ۱۳۴۱ و همچنین قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی، عرصه و محیط تاسیسات در جنگل ها و مراتع که قبلاً احداث شده است، مشمول ماده یک قانون جنگل ها نمی باشند و همچنین با توجه به قانون اصلاحات ارضی مصوب، ۱۳۴۰ اراضی و مراتع غیر مشجر که با توجه به همین قانون در سهم کشاورزان قرار گرفته یا به موجب احکام قضایی در راستای اصلاحات ارضی به زارعین تحویل داده شده است مشمول اراضی ملی نمی گردد. بنابراین آن دسته از اراضی که بنا به تصریح قانون گذار از شمول اراضی ملی خارج می باشند، مستثنیات اراضی ملی تلقی می گردند. همین امر هم در خصوص اراضی موات شهری و غیر شهری صدق میکند به گونه ای که زمینی که سابقه احیاء و کشت به سال قبل از ۱۳۵۸ داشته باشد مستثنیات قانون موات شهری و غیر شهری است و زمینی که سابقه کشت و احیاء به قبل از سال ۱۳۶۵ داشته باشد مستثنیات موات غیر شهری موضوع قانون (ماده واحده مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن) است.

ارزش ذاتی محیط زیست

در اخلاق زیست محیطی، شیوه اعمال و انتخابهای ارزش آفرین در حوزه ای معین است و بنا به اصل موضوع آن دارای پیش فرض ها و اصول موضوعه از پیش پذیرفته می باشد. اخلاق زیست محیطی دارای اصول رسمی شناخته شده است که توجه اکید و رعایت کامل آنها کار پایه و پیش شرط موضع گیری ها و تصمیم گیری ها بشمار می روند، این اصول از قرار زیرند:

- ۱- احتیاجات سیستم زمین فی نفسه باید در هر تصمیم گیری درباره استفاده از زمین، نمود داشته باشد.
- ۲- بشریت، وجدان و عنصر حسی و عقلانی اکوسیستم است.
- ۳- مدیریت زمین باید بطور کلی در دست کسانی باشد که به آن نزدیکتر و وابسته تر به آن باشند.^۱

در این باره اصول شخصی دیگری نیز وجود دارند که به شرح زیرند:

۱. احترام به اختیار فردی در انتخاب.
۲. حفظ سلامتی.
۳. جلوگیری از زیان.
۴. برقراری عدالت (مناسبات انسان و طبیعت یا توزیع منصفانه سود و زیان در رابطه انسان و طبیعت).

همین چهار عنصر تعیین کننده نیز در برخی از موارد بحث برانگیزند. گاهی برای تأمین یکی، باید توجه کمتری به دیگری نمود و گاهی حتا ممکن است با مشکل انتخاب میان آنها روبرو شویم. در هر حال، جریان نیرومند کنونی در قلمرو اخلاق زیستی، در راستای تعهد و پایبندی خود به منشور جهانی حقوق بشر، بر اجرای این دو اصل تأکید کامل دارد:

۱. احترام کامل به توانایی‌ها، باورها، انگاشت‌ها و انتخاب‌های فردی
۲. حضور اختیاری، داوطلبانه، آزادانه و آگاهانه فرد در تمام مراحل.

اخلاق حقوق، با در نظر گرفتن موضوع تهدید رفتار بشر در قبال محیط زیست و اینکه این تهدید بطور غیر مستقیم به بقای زندگی بشری نشانه می‌رود، شکل گرفت. و این موضوع چنان مطرح گردید که "حقوق اساسی زندگی بشری بدون داشتن محیط زیست طبیعی حمایتی امکان پذیر نیست" و بدین علت اخلاق حقوق بطور مستقیم در حقوق زیستن و آزادی بشری گنجانده شد.

ویلیام بلک استون^۱ این حق اساسی را چنین شرح داده است:

هر شخصی دارای حق داشتن محیط زیست قابل زندگی است که شایسته انسانیت اوست و بدلیل اینکه یک محیط زیست قابل زندگی برای تأمین ظرفیتهای بشری ضروری است و با در نظر گرفتن خطری که امروزه در مقابل محیط زیست قرار دارد و در نتیجه خطری که در مقابل بقای زندگی بشری قرار دارد، دسترسی به یک محیط زیست قابل زندگی می‌بایست به عنوان یک حق، تلقی گردد که یک تعهد اخلاقی برای احترام به محیط زیست را بر هر شخص الزام می‌نماید. (مشایخی و قوشچی، ۱۳۹۲: ۶۷)

اخلاق انسان محور، بینشی است که نگاهی آینده نگر به حفظ محیط زیست را مجاز می‌داند و در واقع تنها این نوع نگاه به محیط زیست را ضروری و لازم برای عمل می‌داند. این مفهوم به این معنا است که ارزش‌های انسانی را بر اساس مفهوم "زیست محیط برای نسلهای آینده" دارای معنا می‌داند. البته مفهوم "زیست محیط برای نسلهای آینده" برای اخلاق انسان

1. Blackstone, T, Willian

محور، حکم نوعی انگیزش به عمل برای افراد و جامعه را نیز دارد. پس بدین دلیل است که نمی‌توان تمام امور اهمیت دار را در بازه اخلاق انسان محور در قالب گزاره هزینه-منافع که بُرد زمانی کوتاه مدت دارند، گنجانید و بدین سبب است که در این نوع از اخلاق می‌بایست امور آینده نگرانه بیشتری را در تحلیل محدودیت‌ها یا موانع انجام عملها به حساب آورد.

دیدگاه سبز درباره جرم شناسی

دیدگاه سبز درباره جرم شناسی (Green Criminology) که برای بار اول توسط کریستوفر ویلیامز مطرح شد، به بررسی و شناسایی حقوق کیفری در حوزه زیست محیطی با نگاهی بحرانی و متفاوت پرداخته است. این دیدگاه بر روی رفتار انسانی تمرکز داشته و انسان‌ها را به عنوان متخلفان معرفی می‌کند. همچنین، این دیدگاه تلاش می‌کند با شناسایی قربانیان غیرانسانی و استناد به ادله کیفری، وسعت بزه دیدگان را گسترش دهد. بزه دیدگان سبز به سه دسته اشخاص، طبیعت و نسل‌های آینده توجه دارد. همچنین، نسل‌های آینده در دسته بزه دیدگان بالقوه جرایم زیست محیطی قرار می‌گیرند که ناشی از نقص، بی‌مبالاتی و عمل یا ترک عمل نسل‌های گذشته است. (گرچی فرد، ۱۳۹۵: ۲۱۲) در جرایم متعارف انسان‌ها به عنوان بزه دیده معرفی می‌شوند حال آن‌که در بزه‌های زیست محیطی به جهت پیوستگی اکوسیستم، چنانچه بخشی از آن مورد تعرض قرار گیرد، سایر بخش‌ها نیز بزه دیده واقع می‌شوند. بر اساس دیدگاه‌های مختلف، در شناسایی بزه دیدگان جرایم زیست محیطی، سه دیدگاه مهم وجود دارد: دیدگاه انسان-محور: این دیدگاه با تمرکز بر جهان بیرونی و بهره‌برداری از منابع طبیعی با دیدگاه ابزاری در نظر می‌گیرد. هدف اصلی این دیدگاه تسهیل استخراج و بهره‌برداری از منابع با قلمرو قانونگذاری است. دیدگاه گونه-محور: این دیدگاه به ارزش ذاتی منابع طبیعی توجه می‌کند و فرضیه را پذیرفته است که منابع طبیعی ارزش جداگانه‌ای از دیدگاه ارزشی انسان دارند. هدف قانون در این دیدگاه بیشتر به حفظ محیط زیست متمرکز است. دیدگاه اجتماع-اکولوژی محور: این دیدگاه به تعادل میان نیاز به استفاده از منابع برای بقای انسان‌ها و نیاز به تعیین قواعد جهت استفاده بی‌خطر از اکوسیستم (بوم‌سپهر) توجه دارد. هدف در این دیدگاه ایجاد تعادل و هماهنگی بین مصرف منابع و حفاظت از اکوسیستم است. این دیدگاه‌ها نقش مهمی در تشخیص و شناسایی بزه دیدگان جرایم زیست محیطی ایفا می‌کنند. (وایت، ۱۳۹۴: ۲۶)

تقصیر و قصور دولت، و اشتباه مامور مجری تشخیص در مستثنیات اعلام نمودن

زمین

قبل از ورود به بحث ادله‌ی اثبات برای تبیین هر چه بهتر مقوله‌ی اثبات و اثبات مالکیت اشخاص که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به صورت مختصر به بررسی تاریخچه ملی

شدن اراضی می پردازیم: با تصویب قانون ملی شدن جنگلها و مراتع در سال ۱۳۴۱، عرصه و اعیان کلیه جنگل ها و مراتع و بیشه های طبیعی در اراضی جنگلی جزو اموال عمومی محسوب شد، مالکیت خصوصی جنگلها و مراتع در اختیار دولت قرار گرفت و بنا به مقرر ماده ۳ قانون یاد شده به اشخاصی که سند مالکیت خصوصی به نام جنگل داشته یا از مراجع قضایی حکم قطعی دال بر مالکیت جنگل در حق آنها صادر شده و یا دارای حکم قطعی هیئت های رسیدگی املاک و اگذاری به نام جنگل بودند، وجوهی طبق قانون پرداخت می شد. قانونگذار بلافاصله در ماده ۲ قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع، در جهت حفظ حقوق مالکیت خصوصی اشخاص، عرصه و محوطه تاسیسات و خانه های روستایی، زمین زراعی و باغات واقع در محدوده جنگل ها و مراتع که در تاریخ تصویب قانون ملی شدن احداث گردیده بودند و نیز مراتع غیر مشجری که در تاریخ تصویب این قانون یا بعدا به موجب اسناد مالکیت یا آراء قطعی محاکم یا هیئت رسیدگی به املاک و اگذاری در محدوده املاک مزروعی قرار گرفته یا بگیرد، به عنوان مستثنیات حکم قانونی برشمرده است. در تاریخ تصویب قانون ملی شدن و سال های منتهی به آن با توجه به مشهود بودن علائم و آثار آن و نشانه های احیا و عمران و یا عدم آن، عمل تشخیص با دشواری همراه نبوده است، اما با گذشت زمان تعیین دقیق زمان تصرفات اشخاص و بررسی آثار احیا و عمران اراضی با مشکلات عدیده ای روبرو گردید و از طرفی تعیین مرز و محدوده جنگل و مرتع و شناسایی این اراضی از مستثنیات قانونی، با توجه به گستردگی و عدم وجود امکانات، امکان پذیر نبوده است، افزون بر این، تشخیص اراضی ملی از مستثنیات به هیئت یا کارگروهی متشکل از مهندسين جنگل و نقشه برداران اراضی واگذار نمی گردید و توسط یک کارمند(جنگل دار) با کروی مأمور اداره منابع طبیعی انجام می شد و در نتیجه عمل تشخیص به نحو صحیح و حرفه‌ای منطبق با موازین قانونی معمول نمی گردید. «مأموران و کارکنان تشخیص اراضی نیز در زیر لوای اعمال حاکمیت و عدم جبران خسارت اشخاص با سوء استفاده از اختیارات بدون رعایت قانون، اراضی اشخاص را ملی اعلام کرده و به سادگی اراضی مالکانه اشخاص را ملی و مبادرت به صدور برگ تشخیص مینمودند و فراتر از این عمدتا در سالهای اخیر بدون بررسی و بازبینی هر یک از متصرفات اشخاص کل پلاک ثبتی که مشتمل بر قطعات زیادی می شد را در جهت احتراز از هزینه های کارشناسی و نقشه برداری، ملی اعلام می نمایند. نکته حائز اهمیت این که، برگ تشخیص به نحوه صحیح و قانونی به مالکین این قبیل از اراضی که عمدتا در روستا ساکن و اطلاع از روزنامه محلی نیز جهت آنان دشوار بوده است، صورت نمی گرفت و مدت زمانی تشخیص تا اطلاع ذینفع و طرح دعوی سالیان زیادی به طول می انجامید و از طرفی با توجه به اینکه رسیدگی در پرونده محتاج به مهارت و اظهار نظر کارشناسی می باشد و عمدتا با اعتراض، موضوع دعوی به هیأت کارشناسی تا ۵، ۷، ۹ نفر بعضا ۱۱ نفره نیز ارجاع می

گردد و در نتیجه خسارات دادرسی نیز هنگفت می باشد.

تقصیر و قصور دولت

تقصیر در لغت را، خودداری از انجام عملی با وجود توانایی بر انجام آن میگویند. و برخی آن را تجاوز از رفتار شخص محتاط و آگاه یا رفتار انسان متعارف، یا تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است میدانند. واژه تقصیر در علم حقوق به دو معنی به کار رفته است؛ به معنای اخص که منحصر به بی احتیاطی و غفلت بوده به کار میرود. و در معنای اعم که عبارت است از رابطه خاص روانی و ذهنی که بین فاعل و ضرر و زیان برقرار میشود. به عبارت مناسب تر قصور یعنی ترک فعل یا قانون الزامی بدون اینکه مسامحه ای در کار باشد مانند کسی که به تازگی وارد کشوری شده و به علت آشنا نبودن به قوانین آن کشور و جهل به قانون عملی را که میبایست انجام میداده انجام ندهد و برعکس عملی را که نباید انجام میداده انجام داده است این فرد مرتکب قصور شده است چون هیچ عمدی در کار نبوده و از روی نادانی و جهل به قانون و به صورت سهوی مرتکب خلاف شده است اجزای قصور عبارتند از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و اما تقصیر به اجتناب و خودداری از انجام دادن کاری که شخص با وجود اطلاع و آگاهی و توانایی انجام آن از انجام دادن آن کار خودداری کند را گویند در واقع در تقصیر یک عمدی نهفته است بدین معنی که رفتار مرتکب آن چنان فاحش بوده است که گویی فرد تا حدودی خواستار انجام آن بوده است به همین دلیل مجازات کسی که مرتکب قصور شده است صرفاً جنبه مدنی دارد اما مجازات کسی که مرتکب تقصیر شده است جنبه کیفری دارد. در حال حاضر با توجه به قانون ملی جنگلها و مراتع کشور و همچنین ماده ۵۶ قانون حفاظت بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، اصلاحیه ۲۰/۰۱/۱۳۴۸ آن و همچنین قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر کشور مصوب ۱۳۷۱، مرجع تشخیص اراضی ملی از مستثنیات وزارت جهاد سازندگی است که مطابق با آیین نامه اجرایی قانون مصوب ۱۳۷۱ وزارت جهاد وظایف محوله را به سازمان جنگلها و مراتع کشور واگذار نموده است. قانونگذار فرد تشخیص دهنده را به عنوان جنگلدار، که فردی متخصص و دارای قوه ی تجزیه تحلیل می باشد به عنوان متخصص در امر تشخیص اراضی ملی از مستثنیات تعیین نموده است.

اشتباه مامور مجری تشخیص در مستثنیات اعلام نمودن زمین

بارها مشاهده شده که مجری تشخیص در امر مهم اراضی ملی و موات شهری و غیر شهری، که عمدتاً تخصص کامل در خصوص موضوع محوله را نداشته در مورد مفاد مکتوبه در برگ تشخیص اشتباه نموده بطوری که زمین مورد بحث را جزء مستثنیات قانونی قلمداد نموده و

پس از مدت نسبتاً طولانی اداره منابع طبیعی مربوطه با ادعای اینکه مامور تشخیص در اعلام مستثنیات بودن زمین متنازع فیه دچار اشتباه شده، در پی ملی یا موات اعلام نمودن زمین مذکور قرار می‌گیرد. این در حالی است که مالک زمین پس از مطمئن شدن از اینکه زمین وی جزء اراضی ملی یا موات نمی‌باشد و بعضاً با گرفتن چندین فقره گواهی مستثنیات از اداره منابع طبیعی اقدام به تصرفات مالکانه خود اعم از هزینه‌های گراف بر روی زمین و یا حتی انتقال زمین به ثالث می‌نماید و ناگهان با ادعای اداره منابع طبیعی یا دیگر سازمانهای مربوطه روبه‌رو می‌گردد. لذا تقصیر مامور تشخیص در این حالت کاملاً محرز است و چنانچه به این ادعا جامعه عمل پوشانده شود مالک زمین متضرر واقعی این موضوع می‌باشد. متأسفانه فقد قوانین موجود در این حوزه بسیار واضح است. اما آیا می‌توان قواعد و مقررات عام مالکیت و اماره تصرف را نسبت به این موضوع جاری کرد و بیان نمود که دولت (اداره منابع طبیعی) در مقام اقامه دعوی باید ملی بودن زمین را اثبات کند و مالک به عنوان متصرف نیازی به اثبات مالکیت خود ندارد و بار اثبات این ادعا بر عهده دولت (اداره منابع طبیعی) می‌باشد؟ حالیه در جواب به نظر می‌رسد پاسخ سوال مثبت است، چون زمانی که در موضوعی در (کتاب، سنت و قانون) حکمی را نیافتیم به سراغ اصول فقه می‌رویم. و حکم موضوعی را طبق قواعد و اصول فقهی استنباط می‌کنیم و با توجه به قیاس اولویت می‌توانیم حکم قواعد مالکیت و اماره تصرف را در این مورد جاری کنیم.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می دهد که در مورد اراضی که بر اساس اصل اخلاقی حق محیط زیست به اراضی ملی پیوست شده اند، هنگامی دعوی درباره اراضی -متعلق به اراضی ملی یا اراضی شخصی- صورت بپذیرد، این دولت است که باید درباره ادعا ادله ارائه دهد. در بحث اخلاقی بیان شد که ارزش ذاتی محیط زیست برقراری عدالت میان وابستگی انسان و زمین اصل مهم در موضوع اراضی است. در این زمینه به دو موضوع تقصیر و قصور دولت و اشتباه مأمور در تشخیص مستثنیات نیز اشاره و تأکید شد. بنابراین اگر این اراضی با اعتراض ذی نفع نسبت به عمل تشخیصی اداره منابع طبیعی در کمیسیون ماده واحده یا مرجع قضایی، حکم بر ابطال نظریه تشخیص صادر و مالکیت قطعی و نهایی وی محرز گردیده است، بار اثبات مالکیت درباره کاربری اراضی بر عهده دولت است. زیرا در صورت تحقق این امر در خصوص اثبات مالکیت توسط دولت، خواهان دعوا برای رسیدن به حقوق تضییع شده خویش با دشواری کمتری رو به رو می شود و در این حالت بار اثبات بر عهده ی دولت (منابع طبیعی) می باشد.

فهرست منابع

۱. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۳۸۱). وسیله النجاه، چاپ اول، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 ۲. ثابتی، محمد، (۱۳۷۳). وضعیت حقوقی اراضی موات و بایر، چاپ اول، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
 ۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۴۰۱). ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و ششم، تهران: گنج دانش.
 ۴. حجتی، علی، (۱۳۹۲). حقوق منابع طبیعی، چاپ اول، تهران: فکر سازان.
 ۵. سبزواری، محمد باقر، (۱۳۹۶). کفایه الاحکام، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۶. عباسی، عادل، (۱۳۹۲). حقوق منابع طبیعی، چاپ اول، تهران: فکر سازان.
 ۷. گرجی فرد، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی سبز، تهران: بنیاد حقوقی میزان
 ۸. مشایخی، سینا، قوشچی، فرشاد، (۱۳۹۲)، اخلاق در علوم کشاورزی، تهران: جهاد دانشگاهی
 ۹. میرزایی، علیرضا، (۱۳۹۲). مراجع تشخیص اراضی موات، چاپ اول، تهران: بهنامی.
 ۱۰. وایت، راب. (۱۳۹۴). جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم، برگردان حمیدرضا دانش ناری، نشر میزان.
11. Cartwright Austin , " Three Axioms for Land Use , " The Christian Century , Vol . XCIV , No. 32 (Oct. 12 , 1977)